



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ی ادبیات و زبانهای خارجی

پایان نامه دوره ی کارشناسی ارشد فلسفه هنر

هنرهای معاصر از منظر آرتور دانتو

فاطمه تشکری

استاد راهنما

جناب آقای دکتر امیر نصری

استاد مشاور

جناب آقای دکتر مسعود علیا

تیر ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان: هنرهای معاصر از منظر آرتور دانتو

محقق: فاطمه تشکری

استاد راهنما: دکتر امیر نصری
استاد مشاور: دکتر مسعود علیا
استاد داور: دکتر امیر
مازیار

کتابنامه: ندارد
واژه نامه: ندارد

نوع پایان نامه: بنیادی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
سال تحصیلی: تیرماه ۱۳۹۰

محل تحصیل: تهران
نام دانشگاه: دانشگاه علامه طباطبایی
دانشکده: ادبیات و زبانهای
خارجی

تعداد صفحات: ۱۷۷
گروه آموزشی: فلسفه

کلید واژه ها به زبان فارسی: پایان هنر - پساتاریخ - کثرت گرایی - استحاله - امر پیش پا افتاده

کلید واژه ها به زبان انگلیسی: -end of art-post history-pluralism-transfiguration-
commonplace

چکیده

الف: موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف): موضوع این پایان نامه بررسی هنرهای معاصر از منظر فیلسوف آمریکایی آرتور دانتو است. در این پایان نامه سعی شده است با بررسی آراء و نظریات این فیلسوف دورنمایی از هنر معاصر ارائه گردد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که هنر در دوران معاصر به واسطه ی خلق آثاری کاملاً متفاوت در قالب تعاریف گذشته ی تاریخ هنر نمی گنجد و هنر به طور کلی وارد دوران تازه ای شده است. آرتور دانتو شرایط ظهور چنین هنری را به لحاظ تاریخی بررسی کرده و سعی دارد تا هنر معاصر و آثار هنری آن را به لحاظ فلسفی واکاوی نماید. اساساً هدف این پایان نامه شناخت صحیح ارکان فکری این فیلسوف است تا با رویکردی فلسفی بتوانیم به هنرهای معاصر نظر افکنیم.

ب: مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها : پرسش های که در این پایان نامه در صدد پاسخگویی به آنها هستیم عبارتند از : چیستی هنر معاصر، چگونگی ارتباط میان فلسفه و هنر در این دوران و همچنین دلایل گسست زیبایی و هنر و چالش های پیش رو در باب تعریف نا پذیر بودن هنر. همچنین سعی شده است که این پژوهش با بررسی اکثر کتابهای قابل دسترس این فیلسوف انجام گردد. همچنین از منابع دیگری در حوزه ی فلسفه، فلسفه ی هنر، تاریخ هنر، دایره المعارف زیبایی شناسی و یک سری منابع اینترنتی که در فهرست منابع ذکر گردیده است، استفاده شود.

پ: روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه ی مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه ی اجرای آن، شیوه ی گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها : مفاهیم کلیدی این پایان نامه شامل: ۱- استحاله ی امر پیش پا افتاده: دگرذیسی اشیاء روزمره و تبدیل شدن آنها به اثر هنری در دوران معاصر. در این دوران ما شاهد حضور اشیایی هستیم که به لحاظ ظاهری هیچ گونه تمایزی با اشیای عادی دنیای پیرامون ما ندارند حال آنکه اثر هنری محسوب می شوند. ۲- پایان هنر: این نظریه جز شاخص ترین نظریات دانتو در باب هنر می باشد. او پایان هنر در دوران معاصر را اعلام می کند. این نظریه بر مبنای نگاه تاریخی دانتو به هنر استوار است. ۳- پساتاریخ: پایان هنر با ورود به دوران پساتاریخ رخ می دهد. در این دوران سیطره ی کثرت گرایی حاکم است و دورانی است که دیگر هیچ فرا روایتی وجود ندارد و همه ی سبک و روش ها در کنار هم حضور دارند. در این پایان نامه

روش تحقیق روش کتابخانه ای بوده و نوع پایان نامه بنیادی است، بنابراین نمونه گیری و روشهای نمونه گیری، جامعه ی آماری و ابزار اندازه گیری شامل آن نمی شود.

ت: یافته های تحقیق: خوانش نظریات دانتو پاسخگوی بسیاری از سؤالات در حوزه ی هنرهای معاصر است. در این پژوهش ما ابعاد مختلف هنر های معاصر را دریافته و به تفاوت های آشکار آن با هنر در دوران گذشته پی می بریم. همچنین در این پایان نامه دریافتیم که هنر معاصر از آن جهت شگفتی ما را بر می انگیزد که در هیچ اسلوب و چارچوب مشخصی نمی گنجد و تمامی تعاریف پیشین در باب هنر را به چالش می کشاند، همچنین در یافتیم که در این دوران عرصه ی هنر بسیار گسترده شده و در همه ی ارکان زندگی بشر حضور دارد. نکته ی بسیار مهم دیگر اینکه نقش و جایگاه فلسفه برای هنر پررنگ تر از هر دوره ی تاریخی دیگر است.

ث: نتیجه گیری و پیشنهادات: در حالی که همه ی اجزای دنیای جدید به شکل زاینده و فزاینده ای در حال تغییر است، معنای علوم و فنون نیز تغییر یافته و اجتماع شکلی غیر قابل مقایسه با قبل از خود می نمایاند، بنابراین هنر نیز در زمان متوقف نشده و تعاریف ارائه شده از آن نیز باید متناسب با مختصات امروزی آن باشد. هنر در دوران معاصر به سبب دستیابی به نهایت خودآشگاری، تمام ابعاد وجودی خود را نمایانده است و در جابجایی متفاوت از گذشته ی تاریخی خود قرار دارد پس باید از منظری متفاوت به آن نگریم و آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داد..

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما: دکتر امیر نصری

رئیس کتابخانه:

سمت علمی:

نام دانشکده: دانشکده ی ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه

طباطبایی

چکیده:

آرتور دانتو فیلسوف و نظریه پرداز آمریکایی، پژوهش های فلسفی گسترده ای در حوزه ی درک شرایط ظهور هنر معاصر و ابعاد آن انجام داده است . هنر معاصر موضوعی است که دانتو در بسیاری از کتابهای خود به آن پرداخته و آن را از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار می دهد . در این پایان نامه سعی شده است با بررسی آراء و نظریات آرتور دانتو نمایی از هنر در دوران معاصر ارائه گردد.

اهمیت هنر معاصر برای دانتو از آن جهت است که این دوران به واسطه ی خلق آثاری کاملاً متفاوت، در قالب تعاریف گذشته ی تاریخ هنر نمی گنجد . او معتقد است هنر پایان یافته و ما وارد دورانی بنام پساتاریخ شده ایم که به سبب کثرت گرایی حاکم بر آن مرز میان هنر و غیر هنر از میان برداشته می شود. دانتو شرایط ظهور چنین رویدادی را به لحاظ تاریخی بررسی کرده و سعی دارد تا هنر معاصر و آثار هنری آن را به لحاظ فلسفی واکاوی نماید.

در این پایان نامه تلاش می شود پاسخ های دانتو در باب چیستی هنر معاصر، ارتباط فلسفه و هنر در این دوران ، دلایل گسست زیبایی و هنر و چالش های پیش رو در باب تعریف ناپذیر بودن هنر تبیین گردد.

واژگان کلیدی: پایان هنر-پساتاریخ-کثرت گرایی-استحاله و امرپیش پافتاده

فهرست مطالب:

مقدمه.....	۱
۱- طرح کلی اندیشه ی دانتو.....	۱۰
۲- اثر هنری و شی صرف.....	۲۷
۲-۱ هنر معاصر.....	۲۷
۲-۲ اندی وار هول، مارسل دوشان و حاضر آماده ها.....	۲۸
۲-۳ هنر و زندگی واقعی.....	۳۰
۲-۴ نظریه، مؤلفه ی اساسی در هنرهای معاصر.....	۳۰
۲-۵ روبنا و زیربنا در آثار هنری.....	۳۳
۲-۶ فلسفه ی هنر و فلسفه ی عمل.....	۳۴
۲-۷ نقش چارچوب های نهادی عالم هنر.....	۳۵
۲-۸ نقدهایی بر نظریه ی نهادی هنر.....	۳۷
۲-۹ اثر هنری به مثابه ی بیان احساس.....	۳۸
۲-۱۰ تعریف ناپذیری هنر.....	۳۹
۲-۱۱ نظریه ی شباهت خانوادگی.....	۴۲
۲-۱۲ نقدهایی بر نظریه ی شباهت خانوادگی.....	۴۴
۲-۱۳ نگرش زیبایی شناسانه.....	۵۰
۲-۱۴ فاصله ی روانشناختی.....	۵۱
۲-۱۵ بازنمایی در هنر معاصر.....	۵۳

- ۱۶-۲ از میان رفتن مرز میان هنر و زندگی واقعی: ۵۶
- ۱۷-۲ ابعاد شناختی تقلید..... ۵۸
- ۱۸-۲ خصلت ارتباطی هنر تقلیدی..... ۵۹
- ۱۹-۲ فایده ی هنر تقلیدی..... ۶۰
- ۲۰-۲ واکنش زیبایی شناسانه..... ۶۰
- ۲۱-۲ تفاوت دیدگاه‌های دانتو و دیکی در باب ارزیابی آثار هنری..... ۶۲
- ۲۲-۲ چیستی حس زیبایی..... ۶۴
- ۲۳-۲ ناکارآمدی تعاریف سنتی از هنر..... ۶۶
- ۲۴-۲ نقش معنا و تفسیر در تمایز اثر هنری از شیء صرف..... ۶۹
- ۲۵-۲ اثر هنری و بستر تاریخی آن..... ۷۱
- ۳-زشتی و زیبایی در آثار هنری معاصر..... ۷۸
- ۱-۳ گسست هنر و زیبایی در آثار هنری معاصر..... ۷۸
- ۲-۳ مارسل دوشان و گسست زیبایی از هنر..... ۷۹
- ۳-۳ دادائیسزم، سردمدار گسست زیبایی و هنر..... ۸۰
- ۴-۳ تجلی زشتی در تاریخ هنر..... ۸۱
- ۵-۳ هنرمندان معترض در اثر دادائستی مرگ بر آلپ..... ۸۲
- ۶-۳ هنر پست و فرومایه..... ۸۴
- ۷-۳ دمین هرست و هنر انزجارآور..... ۸۴
- ۸-۳ ریشه های تاریخی هنر فرومایه..... ۸۵

۳-۹ ارتباط میان زیبایی و امر اخلاقی در آراء کانت..... ۹۰

۳-۱۰ ارتباط میان زیبایی و خیر در آراء برخی فیلسوفان..... ۹۱

۳-۱۱ زیبایی شناسی معاصر در مقابل زیبایی شناسی سنتی..... ۹۲

۳-۱۲ ذوق های خاص و آثار هنری انزجارآور..... ۹۳

۳-۱۳ آندرس سرانو هنرمند آثار زشت..... ۹۴

۳-۱۴ امر انزجارآور و مکانیسم های فرهنگ پذیری..... ۹۵

۳-۱۵ آثار انزجارآور و پیام های اجتماعی..... ۹۶

۳-۱۶ زیبایی در برابر پرسش های فلسفی..... ۹۸

۳-۱۷ زیبایی جدایی ناپذیر و زیبایی عارضی..... ۹۹

۳-۱۸ زیبایی، زشتی و امکانات گسترده ی هنر..... ۱۰۲

۴- هنر پاپ..... ۱۰۸

۴-۱ پاپ، پایان روایت بزرگ هنر غرب..... ۱۰۸

۴-۲ هنر پاپ و مرز میان هنر و واقعیت..... ۱۱۰

۴-۳ هنر پاپ و فلسفه..... ۱۱۲

۴-۴ اکسپرسیونیسم انتزاعی و هنر پاپ..... ۱۱۴

۴-۵ هنر پاپ و پدیده های فرهنگ عامه..... ۱۱۵

۴-۶ هنر پاپ: هیچ چیز از چیز دیگر بهتر نیست..... ۱۱۶

۴-۷ ریشه های هنر پاپ..... ۱۱۷

۴-۸ امر پیش پا افتاده سوژه ی امر والا..... ۱۱۸

- ۴-۹ هنر پاپ پاسخی به روان انسان..... ۱۲۰
- ۵-پایان هنر..... ۱۲۷
- ۵-۱ کثرت گرایی و آغاز دوران پساتاریخ..... ۱۲۷
- ۵-۲ زمینه های ظهور دوران پساتاریخ..... ۱۲۸
- ۵-۳ پایان هنر و فهم فلسفی چیستی هنر..... ۱۳۰
- ۵-۴ پایان هنر و پایان تاریخ..... ۱۳۲
- ۵-۵ پایان هنر دانتو و مرگ هنر هگل..... ۱۳۳
- ۵-۶ مدرنیسم و پایان هنر..... ۱۳۵
- ۵-۷ تبلور هنر راستین در بیانیه ها..... ۱۳۶
- ۵-۸ هنر حقیقی تر وجود ندارد!..... ۱۳۹
- ۵-۹ ذات فراتاریخی هنر..... ۱۴۰
- ۵-۱۰ فلسفه عامل هویت بخش هنر..... ۱۴۱
- ۵-۱۱ هنر امری متعلق به گذشته..... ۱۴۲
- ۵-۱۲ جعبه های بریلو و پایان هنر..... ۱۴۳
- ۵-۱۳ فلسفه ی هنر، گروگانی برای تاریخ هنر..... ۱۴۴
- ۵-۱۴ آزادی در قلمرو هنر و پایان هنر..... ۱۴۵
- ۵-۱۵ آزادی هنرمند از منظر هگل..... ۱۴۶
- ۵-۱۶ نقدی بر نظریه ی پایان هنر..... ۱۴۷

ضمیمه:

۱- مدرنیسم و گرینبرگ..... ۱۵۲

- نتیجه گیری..... ۱۶۵

- کتابنامه..... ۱۷۰

مقدمه:

«دیگر هیچ تصویر بزرگی وجود ندارد»

ریچارد رورتنی

امروزه هنر وارد دوران تازه ای شده است، دورانی که با سرعتی زیاد آثار هنری عجیب و خارق العاده ای خلق می شوند که در نگاه نخست شگفتی انسان را بر می انگیزند. شگفتی از آن حیث که انسان از خود می پرسد آیا اینها هنرنند؟

دوران معاصر، دوران آثاری است که متفاوت از گذشته و انتظار عموم از هنر، خلق می شوند. در گذشته جهان هنر همواره مکان آشنایی بود که همه، بازیگران اصلی آن را می شناختند و همه ی امور مرتبط با اثر هنری، همه ی واژگان و همه ی چشم اندازها مأنوس و پیش بینی پذیر بود، در حالی که امروزه پیش بینی ناپذیر بودن، عادی ترین ویژگی آثار هنری قلمداد می شود. در این دوران در نمایشگاههای هنری، ما شاهد آمیزه ای شگفت از آثا ر هستیم، حضور حیوانات به صورت زنده و مرده، درون آکواریوم های شیشه ای، حضور خود انسان به عنوان اثر هنری، خون، فضولات انسانی و حیوانی، اعضای بدن، اشیاء عادی زندگی روزمره، کالاهای تجاری و تبلیغاتی ... و هرآنچه که در تصور می گنجد و گاه نمی گنجد، چنان که حتی عجیب ترین هنرها هم کاملاً آشنا و پیش بینی ناپذیرها قابل پیش بینی شده اند.

به طور کلی «رویدادهای جهانی سال ۱۹۸۹ و پس از آن، اتحاد دو آلمان، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، افزایش قراردادهای تجاری جهانی، تحکیم بلوک های تجاری و دگرگونی چین به سوی اقتصاد سرمایه داری، اوضاع جهان هنر را به شدت تغییر داد.» (استالبراس، ۱۳۸۹، ص ۳۱) و هنر به دوران تازه ای گام نهاد، دورانی که در آن دیگر دل بستگی به هنر والا و ایده ی هنر برای هنر جایگاهی ندارد.

هنر معاصر با به چالش کشاندن مقوله ی هنر والا و تصورات گذشته از مفهوم هنر و همچنین زیبایی شناسی کانتی، وارد عصر جدیدی شد. در این دوران فقدان اعتقاد به یک جریان غالب سبک مدار آنقدر قدرتمند شد که کل تاریخ سبک های هنری را فرو پاشید و جزم گرایی و انحصار جای خود را به گشودگی و هم زیستی داد. «به طور کلی پست مدرن به عنوان موج جدیدی از رهایی و آزادی از تحلیل های خفه کننده ی ایدئولوژی های مدرن مورد استقبال قرار گرفت. ایدئولوژی هایی که به نحو محافظه

کارانه و نخبه‌گرایانه‌ای رشد کرده بودند. (The Oxford Handbook Of Aesthetics, 2003, p 721).

(Aesthetics) کثرت‌گرایی، التقاط، محو کردن مرز میان هنر والا و هنر پست، اتفاقی بود که در هنرهای معاصر به وقوع پیوست. در واقع هنر معاصر با ایدئال‌های زیبایی‌شناسی سنتی در باب کمال قطعی و همیشگی به چالش برخاست و جهت‌گیری‌های کلیدی تئوری‌های زیبایی‌شناسی مدرن را زیر پا نهاد. این تئوری‌ها در بخش عظیمی به وسیله‌ی سنت ایدئالیسم از کانت آغاز شد و در تئوری‌های کسانی چون کالینگوود^۱، کلابیل^۲ و کلمنت گرینبرگ^۳ در باب هنر ادامه یافت. کانت با تأکید بر خودآیینی و خودمختاری هنر و ارج نهادن بر هنر والا و اصرار بر تمایز قلمرو هنر از قلمروهای دیگر زندگی عملی که غالباً مبتنی بر فایده‌مداری هستند، سنت زیبایی‌شناسی را تثبیت کرد که بر هنر دوران مدرن سایه افکند. در حالی که هنر معاصر، هنری دگرآیین است و در تمام حوزه‌های زندگی حضور پیدا می‌کند. این هنر خودآیینی هنر مدرن را به چالش کشاند و انتقادات شدیدی را در مورد ایدئال‌های این دوران مطرح نمود و قلمروی هنر را با ورود د به حوزه‌های دیگری همچون اقتصاد، سیاست، فرهنگ ... گسترش داد. «اگر مدرنیسم در کنه خود ایدئولوژیک بود - پر از احکام انعطاف‌ناپذیر دایر بر اینکه هنر چه چیزی هست و چه چیزی نیست - پست مدرنیسم به مراتب التقاطی‌تر است، و توانایی آن را دارد که همه‌ی اشکال سبک و ژانر و موقعیت را در خود تحلیل برد، و حتی به نفع خود مصادره کند، و چندگانگی ارزشهای متضاد را روا می‌دارد.» (گابلیک، ۱۳۸۷، ص ۹۵) هنر معاصر دیگر در پی ایجاد شأنی استعلایی و والا برای هنر نیست بلکه با ورود به همه‌ی حوزه‌ها مرز میان هنر و زندگی روزمره را از میان برداشت. این هنر با عناصر خاصی از فرهنگ توده‌ای، که بسیار فراگیر شده، ارتباط برقرار کرد و عناصر خود را از اشیاء عادی زندگی روزمره برگزید. نابودی مرز میان هنر و زندگی عادی در هنر پاپ و آثار هنرمندانی چون اندی وار هول^۴، رابرت راشنبرگ^۵، جف کونز^۶، باربارا کروگر^۷، جنی هولزر^۸، متبلور شد. آنها با برگزیدن عناصر عادی زندگی همچون تختخواب واقعی، جعبه‌های صابون، قوطی‌های سوپ ... هنر را با جنبه‌های دیگر زندگی و فرهنگ پیوند دادند و پرسش‌هایی فلسفی در باب ذات هنر و تعریف آن مطرح نمودند.

¹ Collingwood

² Clive Bell

³ Clement Greenberg

⁴ Andy Warhol

⁵ Robert Rauschenberg

⁶ Jeff Koons

⁷ Barbara Kruger

⁸ Jenny Holzer

در این دوران موضوعات اجتماعی و سیاسی، هنرهای عامه و موضوعات معمولی و حتی اشیاء مبتذل برای تئوری های هنر مهم شدند و «التقاط، تفاوت، کثرت گرایی، احتمال، سرگرمی و حتی چندپارگی، روزمرگی، پوچی و بیهودگی به عنوان ارزش های زیبایی شناسیک ارج نهاده شدند.» (The Oxford Handbook Of Aesthetics, 2003, p 781) و هنر بخشی از هاله اش در باب استعلا و امر والا، منحصر به فرد بودن و یگانگی را از دست داد.

هنر معاصر مدعیات والای هنر متعالی را کنار زد اما آن را از طریق قرار دادن زیبایی شناسی در مرکز همه ی امور و موضوعات اصلی و فرعی زندگی جبران نمود و بر این مسئله تأکید نمود که هنر و زیبایی شناسی در همه ی ارکان زندگی بشر چون سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، نافذ، قدرتمند و فراگیرنده است.

هرچند به نظر می رسد کنار نهادن ایدئولوژی غالب و رها کردن کلان روایت ها و گرویدن به کثرت گرایی، فرصت های بی نظیری برای رشد و توسعه ی انواع هنرها فراهم آورده است و نوعی «خلاصی رهایی بخش از دست تنگ نظری متعصبانه و اجبار آوانگارد به نوآوری مداوم است اما پیامدهای منفی ای وجود دارند که به صورت ناشناخته در چنین وضعیت «گشوده» ای کمین کرده اند و هنر را به مهر بی معنایی تهدید می کنند.» (گابلیک، ۱۳۸۷، ص ۹۷)

در این میان آرتور دانتو^۹ فیلسوف و نظریه پرداز آمریکایی و استاد فلسفه در دانشگاه کلمبیا، پژوهش های فلسفی گسترده ای در زمینه ی هنر معاصر و درک وقایع و شرایط ظهور چنین هنری انجام داده است. هنر معاصر موضوعی است که دانتو در همه ی کتابهای خود به آن می پردازد و آن را از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار می دهد. او در باب عبارت هنر معاصر این مطلب را بیان می کند که معنای این عبارت صرفاً هنر حال حاضر را در بر نمی گیرد بلکه این عبارت معنای وسیع تری را حمل می کند و همه ی سبک ها و روش های مختلف هنر را در خود جای داده و نهایت آزادی و گوناگونی را می پذیرد. از نظر وی در این دوران هنرمندان چنان آزادند که حتی می توانند از همه ی سبک ها و روش های تاریخی گذشته نیز استفاده کنند و آثار هنری معاصر حتی می توانند شبیه به هر اثری در سده های گذشته باشند. کثرت گرایی دوران معاصر آنچنان قدرتمند عمل می کند که آثار هنری همه ی فرهنگ های دیگر و حتی اقوام بدوی را نیز در خود می پذیرد.

⁹ Arthur C. Danto

از نظر دانتو دوران معاصر دورانی است که بر خلاف تمام دوره های گذشته در تاریخ هنر، هیچ معیار آشکاری برای آثار هنری نمی توان یافت که بر اساس آن بتوان به تعریفی از هنر دست یافت. او معتقد است که آثار هنری دوران معاصر، تمام تعاریف گذشته از هنر را با شکست مواجه نمودند زیرا هنر در این دوران چنان گسترش یافته است که تعاریف گذشته از هنر قادر نیستند آنها را در خود جای دهند. او آثاری همچون جعبه های صابون بریلو¹⁰ اثر اندی وارهول را بسیار مهم قلمداد می کند و معتقد است این اثر، تعریف هنر و ذات هنر را به لحاظ فلسفی مورد پرسش قرار داد.

از دیدگاه دانتو، نقش و جایگاه فلسفه برای هنر در دوران معاصر بسیار پررنگ تر از هر دوره ی تاریخی دیگری است و این مسئله تا حدی است که فلسفه در باب اثر هنری بودن یا نبودن یک شی بحث می کند و مسائل پیش رو در باب آثار هنری معاصر را بررسی می نماید. خود دانتو نیز به عنوان یک فیلسوف تحلیلی و منتقد هنری مجله ی *Nation* آثار هنری معاصر را با رویکردی فلسفی مورد تحلیل و پژوهش قرار می دهد و به تبیین ویژگی ها و شرایط این دوران و زمینه های شکل گیری آن می پردازد. او در کتاب های مختلف خود در باب ارتباط فلسفه و هنر به بحث می پردازد و از سؤالات مهمی که در باب این ارتباط مطرح می کند این است که «چرا هنر می تواند در طبقه ی چیزهایی قرار گیرد که در مورد آنها فلسفه وجود دارد و بر طبق آنچه در طول تاریخ وجود داش ت، چرا هیچ متفکر بزرگی از افلاطون و ارسطو تا هایدگر و ویتگنشتاین وجود نداشته است که چیزی برای گفتن در این موضوع نداشته باشد.» (Danto, 1981, p54) از نظر وی ارتباط فلسفه و هنر در دوران معاصر بسیار عمیق شده است و در بسیاری موارد تعریف هنر به نحو واضح و صریحی بخ شی از ذات و طبیعت هنر محسوب می شود. از نظر وی مسئله ی مهمی که امروزه وجود دارد این است که همواره نوعی از تلاش نیاز است تا برمبنای آن بتوان هنر را از فلسفه اش جدا نمود و به نظر می رسد که تمامیت اثر هنری در دوران معاصر به آن بخشی از اثر است که درباره ی موضوع ات فلسفی است. او نقطه ی شروع درگیری فلسفه با هنر را هنر پاپ می داند زیرا این هنر پرسش هایی فلسفی در باب ذات هنر را در خود نهفته دارد. از نظر وی هنر پاپ سرانجام فرم واقعی پرسش فلسفی در باب هنر را کشف کرد و این امکان را برای فیلسوفان فراهم ساخت تا هنر را به لحاظ فلسفی بررسی کنند. همچنین دانتو معتقد است در دوران معاصر هنر و واقعیت بسیار به هم شبیه شده اند و سعی در فهمیدن تمایز میان آنها به لحاظ فلسفی بسیار با اهمیت است. او این وظیفه را بر دوش فیلسوف هنر می نهد و معتقد است که ادای دین فیلسوف هنر در گرو

¹⁰ Brillo Box

بررسی و پژوهش در باب این هنر است و خود معتقد است که این کار را در کتاب *استحاله ی امر پیش پاافتاده*¹¹ انجام داده است. از نظر او گامبریح هنر را صرفاً به لحاظ تاریخی مورد بررسی قرار داد و کلمنت گرینبرگ به عنوان یک منتقد با آن برخورد نمود اما خود او به عنوان یک فیلسوف هنر با آن مواجه می شود.

به طور کلی به نظر می آید «از نظر دانتو خود تعریفی حق ویژه ی فلسفه است.» (Kelly, 2003, p146) زیرا هنر قادر نیست به تعریف ذات خود بپردازد و این کار جزء مسئولیت های فلسفه به شمار می آید. دانتو با وجود آنکه تعریف ذات هنر را کاری فلسفی قلمداد می کند اما معتقد است فلسفه در انجام این کار از هنر کمک گرفت. یکی از این کمک ها در سال ۱۹۶۴ به زمانی که اندی وار هول اثر هنری خود یعنی جعبه های صابون بریلو را نمایش داد، جعبه هایی که از نمونه ی واقعی جعبه های صابون در سوپر مارکت غیر قابل تشخیص بودند. دانتو با بررسی این اثر در صدد بیان این مطلب است که ارائه ی تعریف از هنر باید بازبینی شود. او معتقد است که هنر معاصر هنری است که ما را وادار می کند تا بر ویژگی های غیر آشکار هنر تمرکز کنیم، او می گوید «ما صرفاً نیازمند تعریف جدیدی از هنر نیستیم بلکه اساساً نیازمند «نوع»¹² جدیدی از تعریف هستیم، یعنی تعریفی که فلسفی باشد.» (Ibid, p147) دانتو در کتاب *استحاله ی امر پیش پاافتاده* و *پس از پایان هنر*¹³ روش ها و اهدافش در باب فلسفه ی هنر را به صراحت بیان می کند و سعی در ارائه ی نوع جدیدی از تعریف در باب هنر دارد.

به طور کلی خاستگاه فکری دانتو و همچنین تأکید او بر ارتباط میان فلسفه و هنر را باید در فلسفه ی هگل جست، زیرا در اندیشه های هگل فلسفه و هنر به نحو عمیقی با هم نسبت دارند و دو مرحله از روح مطلق هستند. اگر بپذیریم که روح مقدر است که از خود آگاه شود بنابراین هنر نیز در سیر تاریخی خود آگاهی روح تغییر مسیر می دهد و خود نیز به سمت آگاهی از ذات خود حرکت می کند و این اتفاقی است که در دوره ی معاصر برای هنر رخ داده است و آن اینکه اثر هنری به طور کلی به مسئله ای فلسفی تغییر شکل داده است. دانتو معتقد است که «فلسفه و هنر یکی هستند و این به دلیل آن است که فلسفه همیشه به سمت خودش جذب شده است و همچنین به سمت تصدیق این مسئله حرکت کرده است که هنر لحظه به لحظه صورت از خود بیگانه ی فلسفه بوده است.» (1981, p56) در واقع زمانی که هنر به خود آگاهی رسید، تبدیل به فلسفه شد.

¹¹ The Transfiguration of The Commonplace

¹² type

¹³ After The End Of Art

از نظر دانتو جستجوی هنر برای دستیابی به ذات خود هم هنر را تاریخی نمود زیرا هنر از تاریخ خود آگاه شد و هم هنر را فلسفی کرد زیرا هنر شروع به جستجو در ذات خود نمود. از نظر دانتو این خودآگاهی فلسفی تاریخی هنر از ویژگی های هنر پس از پایان هنر است.

اثر حاضر حاصل دغدغه های نگارنده در فضای غبارآلودی است که گاه نقد یک اندیشه بدون مطالعه و شناخت صحیح ارکان فکری شکل دهنده ی آن اتفاق می افتد. اساساً آشنایی نگارنده با افکار آرتور دانتو از جایی آغاز شد که مطالبی پراکنده در باب نظریات وی در کتب گوناگون فلسفه ی هنر می خواند اما هرچه جستجوی کرد هیچ اثر انتشاریافته ای که به نحوی جامع به آراء و نظریات این فیلسوف پرداخته باشد در بازار نشر ایران نمی یافت. از سوی دیگر فضای هنر معاصر دارای جوی عجیب و سؤال برانگیز برای جویندگان دانش فلسفه ی هنر بود و کنجکاوی های نگارنده دائماً به نامی پرآوازه در بیرون مرزها و پرسکوت در ایران (آرتور دانتو) به عنوان فیلسوفی برجسته با گستره ای از آراء در حوزه های مختلف فلسفه ی هنر و به خصوص هنر معاصر از زاویه ی تحلیلی منتهی می گردید و به واقع جای خالی شناخت آثار او احساس می شد زیرا هم برای پژوهشگران و هم برای منتقدان و تحلیل گران هنر معاصر جای پای محکم برای ارجاع نقد یا استدلالشان آنگونه که وفاداری به مرجع اقتضاء می نماید، نیاز بود. این پایان نامه مشتمل بر پنج فصل و یک فصل به عنوان ضمیمه می باشد که نگارنده سعی کرده است تا در این فصول به بیان دیدگاههای دانتو در باب هنر معاصر بپردازد. فصل اول با عنوان «طرح کلی اندیشه ی دانتو» به نحو مختصری ساختار کلی نظریات و دیدگاههای او در باب هنر معاصر و سیستم فکری او را بیان می کند.

فصل دوم با عنوان «اثر هنری و شی صرف» با رویکردی هستی شناسانه و با تمرکز بر کتاب *استحاله ی امر پیش پاافتاده* به بررسی و تحلیل دگرذیسی اشیاء روزمره و عادی و تبدیل شدن آنها به اثر هنری در دوره ی معاصر می پردازد زیرا در هنر معاصر ما شاهد حضور اشیایی هستیم که به لحاظ ظاهری هیچ گونه تمایزی با اشیاء عادی دنیای پیرامون ما ندارند حال آنکه اثر هنری محسوب می شوند مانند جعبه های صابون، بطری های کوکا کولا و... همچنین در این فصل به چالش های پیش رو در باب تعریف هنر پرداخته و ناکارآمدی تعاریف سنتی از هنر و تعریف ناپذیر بودن هنر در دوره ی معاصر را با توجه به تئوری های مختلف مورد بررسی قرار می دهیم.

«زشتی و زیبایی در آثار هنری معاصر» عنوان فصل سوم این پایان نامه است. در این فصل به بررسی معیار زیبایی و زشتی در آثار هنری پرداخته و روند از میان رفتن زیبایی و به چالش کشیده شدن معنا و

مفهوم آن در هنر معاصر را از منظر دانتو بازگو می کنیم. همچنین به بررسی گسست هنر و زیبایی در این دوران و ریشه های آن پرداخته و در باب ظهور هنر انزجار آور یا هنر پست و فرومایه به بحث می پردازیم. علاوه بر این مؤلفه ی زیبایی را به عنوان معیار و شاخصه ای قطعی که همواره بر زیبایی شناسی سنتی حاکم بوده است در برابر پرسش های فلسفی قرار داده و دیگر امکانات گسترده ی هنر را بر می شماریم.

هنر پاپ هنری است که دانتو توجه خاصی به آن نشان می دهد زیرا معتقد است هنر پاپ مهم ترین جنبش هنری سده ی بیستم محسوب می شود. از نظر او این جنبش پایان روایت بزرگ هنر غرب را به وسیله ی اقامه ی خودآگاهی حقیقت فلسفی هنر تعیین نمود. بنابراین «هنر پاپ» عنوان فصل چهارم را به خود اختصاص داده است که نگارنده در این فصل به بررسی این هنر و زمینه های شکل گیری آن در غرب پرداخته و در پی این مطلب که هنر پاپ هنری بود که فلسفه را به قلب آثار هنری کشاند، به بررسی پرسش های بنیادین برآمده از این هنر در باب چیستی و ذات هنر می پردازد.

در فصل پنجم این پایان نامه با عنوان «پایان هنر» نظریه ی بسیار مهم آرتور دانتو را در این زمینه بیان نموده ایم. این نظریه که جزء شاخص ترین نظریات او در باب هنر محسوب می شود بر پایه ی نگاه تاریخی او به هنر استوار است. دانتو پایان هنر را اعلام می کند و آن را نتیجه ی کثرت گرایی دوران معاصر و ورود به دوران پساتاریخ قلمداد می کند. در این فصل علاوه بر بررسی زمینه های ظهور دوران پساتاریخ از منظر دانتو به بیان تمایزات نظریه ی پایان هنر او و نظریه ی مرگ هنر هگل پرداخته ایم. در بخش ضمیمه ی پایان نامه با عنوان «مدرنیسم و گرینبرگ» به بحثی مقایسه ای میان افکار دانتو و کلمنت گرینبرگ منتقد برجسته ی آمریکایی پرداخته ایم. همچنین به بیان خودآگاهی هنر در دوران مدرن پرداخته و با بررسی ویژگی های هنر مدرن و ارتباط آن با خودآینی هنر در این دوران تمایز آن با هنر دگرآیین معاصر را شرح داده ایم. همچنین با نگاه به آراء و نظریات کلمنت گرینبرگ و بیان بنیان های فکری او که ریشه در زیبایی شناسی کانت دارد، به بررسی تمایزات دیدگاههای او و دانتو پرداخته ایم.

۱- طرح کلی اندیشه ی دانتو

آرتور دانتو از بزرگترین فیلسوفان و نظریه پردازان معاصر در حوزه ی زیبایی شناسی سنت تحلیلی و هنر معاصر است. تلاش عمده ی فلسفی و نقد هنری دانتو در زمره ی مهمترین و قابل توجه ترین

پژوهش‌ها در نیمه‌ی دوم قرن بیستم محسوب می‌شود و بسیاری از فیلسوفان زیبایی‌شناسان از شاخصه‌ی سیستماتیک نظریه‌های فلسفی وی در باب هنر و تاریخ آن، متأثر شده‌اند. او پژوهش‌های نظری خود را بر تعهد و التزام به تفکر در طریقی جدید قائم نموده است و تمام تحقیقات وی با هنر و فلسفه‌ی زمانه‌اش گره خورده است. «مفهوم مورد نظر دانتو از هنر، ظرفیت هنر و تاریخ هنر به واسطه‌ی سنت فلسفی‌ای شکل گرفته است که از افکار هگل امتداد یافته است.» (Danto, 1998, p. xiii)

دانتو در زمینه‌ی هنر قرن بیستم، در زمانه‌ای که هنر و فلسفه بسیار به هم نزدیک شده‌اند، الگوی پژوهش خود را از خصیصه‌ی فلسفی و نظری هنر آوانگارد اخذ نموده است. «در پی هنر به شدت تئوریک شده‌ی این سده، دانتو به عنوان فیلسوف و یا مفسر به مسئولیت فلسفی خود برای دریافت این هنر، یعنی کشف ماهیت آن پرداخته است. او معتقد است، هرچند ارتباط اصلی و مرکزی هنر آوانگارد از آغازش همین مسئله‌ی چیستی هنر بوده است اما این وظیفه‌ی او بود که در سال ۱۹۶۴ توسط هنرمندانی مانند اندی وارهول انجام شد.» (Encyclopedia of Aesthetics, 1998, vol. 1, p. 498) در واقع شاخصه‌ی اصلی هنر آوانگارد «خودنقادی هنر» بود. چنین نقدی کلیت هنر را در مقام یک نهاد اجتماعی مورد خطاب قرار می‌دهد، بنابراین «خرده‌نظام‌ها را با جنبش‌های آوانگارد تاریخی به مرحله‌ی خودنقادی رسید. مثلاً دادائیسم، یعنی رادیکال‌ترین جنبش آوانگارد اروپا، مکاتب پیش از خود را نقد نمی‌کند، بلکه هنر و سیر تحولی آن را به عنوان نهادی در جامعه‌ی بورژوازی نقد می‌کند.» (بورگر، ۱۳۸۶، ص ۸۲) هنر آوانگارد چیستی هنر را به چالش می‌کشد و هنر خود، نه به واسطه‌ی چیز دیگر، به پرسش از ماهیت خود می‌پردازد.

از نظر دانتو، اندی وارهول با آثاری که خلق نمود سعی در نمایش چیستی و پرسش از ذات هنر داشت و با این آثار جریان‌های هنری زمانه‌اش را به سمتی سوق داد که به پایان تاریخ هنر منجر شد. پایانی که به موجب آن دیگر هیچ مکتب جدیدی مانند گذشته نمی‌تواند در تاریخ هنر جریان ساز شود. از نظر دانتو کاری که وارهول انجام داد طلیعه‌ای برای ظهور هنر پست مدرن بود. به طور کلی از قرن هیجدهم در یک واژگونی چشمگیر، مسئله‌ی ذوق، زیبایی و بیان به عنوان حاشیه‌ای بر تعریف هنر در نظر گرفته شدند.^{۱۴} در واقع از قرن هیجدهم چرخشی در نظریات زیبایی‌شناسی اتفاق می‌افتد، زیبایی دیگر

^{۱۴} دلیل این مسئله آن است که ذوق جای خود را به بحث نبوغ می‌دهد. همچنین در این چرخش و واژگونی بحث زشتی نیز به عنوان یکی از امکانات هنر مطرح می‌گردد.